



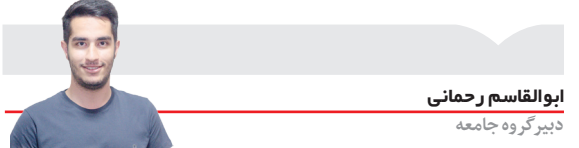
کادر درمان به تعطیلی واقعی نیاز دارد

نتیجه ۱۸ ماه ایمنی توده‌ای

دولت جدید باید بعد از نزدیک به دو سال، بالاخره یک تصمیم درست در حوزه مدیریت کرونا بگیرد. چالش‌های کرونا را همه می‌دانیم، راهکار هم روشن شده، می‌دانیم که دارو و تجهیزات پزشکی نیست، تخت خالی در بیمارستان‌ها نداریم، روند واکسیناسیون کند پیش می‌رود و ویروس جهش یافته هم کل کشور را گرفته و بی‌رحمانه جان می‌ستاند، راهکار چیست؟ تعطیلی و لاک‌داون تمام شهرها حداقل برای دو هفته با ساختگی و نظارت شدید و افزایش سرعت و روند واکسیناسیون، والسلام!

نمی‌گیرد؟ اگر تعطیل شد، نظارت و قطعیتی وجود نداشت که از آن بهره ببرد، اگر هشدار داده شد و شیوه‌نامه‌های تدوین شد، قدرتی وجود نداشت که بر اجرای آن نظارت کند و آن را پیش ببرد، فقط اگر اندک گشایشی رخ داد مسئولان به پای خود سندن زدند و اگر وضعیت سیاه شد، توپ را به زمین مردم و تحریم‌ها و عدم همراهی همه دستگاه‌ها و... انداختند و شانه خالی کردند. واقعا باور کنیم دنیا متقاضی اطلاع از این کارنامه و به کار بستن آن است؟ مردم چقدر نادان فرض شده‌اند که این‌طور با جان و روان شان بازی می‌کنیم؟ روحانی و تمام تشبیه‌های مدیریتی‌اش به پایان رسیدند،

چه اتفاقی باید بیفتد، چند نفر مبتلا شوند، چند نفر بمیرند تا آن کسانی که تصمیم می‌گیرند، کشور را به ساحل امنی برسانند؟ سن نیست؟ این تعداد مبتلا و جان‌باخته بر اثر بی‌تدبیری و ساده‌انگاری مسئولان و عدم اجرای سیاست‌های کارآمد و دقیق و عدم انجام واکسیناسیون عمومی و... پس نیست که بازهم در این ناقوس مرگ می‌میم و خبری از یک اقدام عاجل و کارگشا نیست؟ چه مصلحتی بالاتر از جان مردم وجود دارد که این‌طور از ابتدای کرونا به دل‌مان مانده و جار می‌زنیم که برای دو هفته کل مملکت را لاک‌داون و تعطیل کنیم تا این ویروس لعنتی از چرخه بیفتد و کاری صورت



ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

ما به عنوان نماینده و البته جزئی از افکار عمومی، کجای تصمیمات مسئولان و سیاستمداران قرار داریم؟ ما نه، متخصصان و دلسوزان و اعضای کادر درمان کشور کجا هستند؟ ما قرار بود صرفا روایتگران این منجانب کرونایی باشیم و کادر درمان هم بلاجویان و قربانیان این بستر آلوده و وضعیت سیاه؟ واقعا

رشد ۲ برابری قیمت کپسول اکسیژن طی یک هفته!

ساعت حوالی ۹ شب، چند ساعت بعد از مراسم تحلیف رئیس‌جمهور جدید، حوالی منبریه و ولعصر، بازار فروش تجهیزات پزشکی، مغازه‌ها یکی درمیان باز و بسته‌اند، گویا محدودیت‌های مربوط به مراسم تحلیف از حوالی بهارستان و جمهوری به اینجا هم کشیده شده، خیلی از مغازه‌ها بسته‌اند ولی تعداد مراجعان بالاست. آنقدر وضعیت سیاه هست که من توان اضافه کردن به این سیاهی را نداشته باشم، پس این روایت را به پای سیاه‌نمایی ننویسید. با این حال بالاخره بعد از کلی نداریم و نمی‌فروشیم و نیست، رسیدیم به یک فروشنده‌ای که داشت و حداقل در حد اعلام این داشتن و رضایت به فروختن منصف بود. کرونا نوشتن‌های هر روزه از آن هم باعث شده از قیمت تجهیزات پزشکی تا حدی مطلع باشم. قیمت حدودی کپسول ۱۰ کیلویی اکسیژن را داشتم. قیمت اکسیژن‌ساز را هم همین‌طور، منتها مثل همیشه، به خاطر ثبات نداشتن بازار و تغییرات لحظه‌ای، شخصا تلورانس زیادی را هم در ذهن داشتم و خودم را برای شنیدن هزینه‌ای چندصد تومان بالاتر از چیزی که در ذهن داشتم، آماده کرده بودم. منتها بازهم مثل همیشه غافلگیر شدم و فروشنده هم قبل از اینکه من سوال کنم و گلابه‌ای از قیمت داشته باشم، شروع کرد به ناله کردن از وضعیت بازار و قیمت‌هایی که لحظه‌ای درحال افزایش است. جالب بود، طی یک هفته، کپسول اکسیژن و تمام متعلقاتش در بازار، حدود دوبرابر رشد قیمت داشت و حسابی هم تولیدکننده، هم واردکننده و هم فروشنده، از جان مردم جیب خودشان را پر می‌کردند. گویا هفته گذشته قیمت‌ها حدود یک‌میلیون تا یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود، امشب که ما خیلی دیگر از مردم در تقای پیدا کردن اکسیژن برای نفسی‌های به شماره افتاده بیماران شان به خاطر کرونا بودند، به دو میلیون و ۴۰۰ هزار تومان و دو میلیون و ۶۰۰ هزار تومان رسیده بود. طبع معمول هم جایی برای شکایت نبود، مثل خیلی چیزهای دیگر، مثل تخت‌های شیبی ۲۰ و چند میلیون تومانی بیمارستان‌های خصوصی برای بستری بیماران کرونایی، مثل سرم بسته‌ای ۲۰۰ هزار تومان، مثل واکسن چندده میلیون تومانی و قرص‌ها و داروهای میلیونی فابویپیراوبر و رم‌دسیبور در بازار آزاد. چند دقیقه‌ای گلابه‌های فروشنده را گوش برای اینکه شاید چیز به‌دردبخوری داشته باشد و من برای شما روایت کنم، اما خب او هم جوش درآمد و سود خودش را می‌زد. قیمت اکسیژن‌ساز را هم که از ۳۰ و چند میلیون تومان تا ۷۰ و چند

میلیون تومان متغیر می‌گفتند. چیزی که حداقل تا سالکان و تک به پایین کسی سراغش را نمی‌گرفت و نمی‌توانست که بگیرد. فروشنده می‌گفت خود بیمارستان‌ها هم به مشکل خورده‌اند و کمبود تجهیزات و اکسیژن و... دارند. این کپسول را بگیر و ببر که خوش شانس باشی تا فردا صبح، اگر نه تا چند ساعت دیگر شاید خود من هم قید فروشش را بزنم. شب عجیبی بود. نگاه خسته و مستاصل مردم، تلاش برای حفظ خودشان یا یکی از اعضای خانواده و دوستان، بدبند کردن‌ها و امیدی که به چراغ روشن بعضی مغازه‌ها در این ساعت شب بود، حساسی ذهنم را درگیر کرده بود. ساعت تندتر از همیشه جلو می‌رفت و بیماران هم تندتر از اوایل، به خاطر جهش‌های خطرناک کرونا به ته خط می‌رسیدند. چیزی که بیش از همه عصبانی‌ام می‌کرد، وعده‌های تلخ و پیش‌بینی‌های فروشنده‌ها بود. من که تمام تلاشم را کرده بودم تا از دوست و آشنا، کسانی که قبل‌تر کرونا داشتند و کپسول گرفته بودند این نیاز را تا ماین کنم، اما خب آنقدر مبتلا در اطرافیان‌شان بود که قبل‌تر از من آن کپسول‌ها را پیش‌خور کرده بودند و دست من به جایی بند نبود، دوست نداشتم بشنوم شاید چند ساعت دیگر روز چند دیگر همین چند کپسول باقی‌مانده در بازار هم وجود داشته باشد و قیمت‌شان نجومی‌تر از چیزی شود که بود. به هر شکل و طریقی بود نیاز ما مطرح شد، اما هنوز خیلی‌ها بودند که از این مغازه به آن یکی و از آن یکی به دیگری سر می‌زدند و با سری پایین و چهره‌های عصبانی و عبوس خارج می‌شدند و در جست‌وجوی چراغ روشن و در باز مغازه‌ها می‌بازیدند. تحمل این حجم از ناامیدی و نارضایتی سخت بود و سخت‌تر شد وقتی که یک روز قبل مجبور به چرخي در بازار دارو بودم و آنجا هم همین وضع را مشاهاه کردم. آنجا هم دارو نبود و مردم بعد از ساعت‌ها صف و انتظار با پاسخ منفی فروشندگان و مسئولان داروخانه‌ها مواجه می‌شدند و باز همان سوال تکراری که چرا بعد از نزدیک به دو سال از شیوع کرونا در کشور، هنوز در تأمین بدیهی‌ترین نیازها این‌طور وامانده‌ایم و درجا می‌زنیم؟ همه اینها را کمی آن طرف‌تر از مغازه فروش تجهیزات پزشکی مرور می‌کردم و می‌نوشتم، فروشنده بیرون آمده بود و خرت‌وپرت‌های جلوی مغازه را داخل می‌گذاشت تا او هم کرکه را پایین بکشد، چشمش به من افتاد و گفت: «تا نمرده حداقل برو بالا سرش باش! ایشالا این دولت یک کاری برای مردم بکنه، هرچند امیدی نیست!»

کشور را واقعی تعطیل کنید

لاک‌داون تصمیم تلخی است که مانند سُکُن عمل می‌کند و تنها جنبه تسکینی دارد و همانگونه که در اصطلاح جهانی از لاک‌داون یاد می‌شود، این اصطلاح یعنی سرعت‌گیر و یک تصمیم مقطعی و گذرا خواهد بود که وقتی اثربخشی کافی دارد که درکنار آن کارهای بنیادی‌تری انجام شود. ردیابی بیماران، بیماری‌یابی سریع، افزایش تست غربالگری، بالابردن پوشش واکسیناسیون، حمایت از گروه‌های پرخطر، تأمین بسته‌های معیشتی برای گروه‌های آسیب‌پذیر، ایجاد حمایت اقتصادی و مدنی برای گروه‌هایی از مشاغل که در تعطیلی آسیب می‌بینند و... ملاحظاتی است که باید برای لاک‌داون موثر عملی شود. اگر تعطیلی اعمال شود اما هیچ بسته حمایتی از مردم نداشته باشم، همراهی آنها را نخواهیم داشت. لاک‌داون نیاز به افق‌افکار عمومی دارد تا همراهی کنند. دادن بسته‌های کمک معیشتی به اقشار فرودست در لاک‌داون بسیار ضروری است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در جلسه قرارگاه کرونا در روز سه‌شنبه ۱۲ مرداد ماه که با درخواست تعطیلی موافقت نشد، اهمیت این موضوع هنوز خیلی درک نشده است، درحالی‌که فشار زیادی بر کادر درمان وارد است و تاب‌آوری آنها را تحت‌تأثیر قرار داده است. بیماری کرونا مزمن است و شرایط فرسایشی را رقم می‌زند و مه‌ترین کار اقل‌سازی مردم و بالا بردن میزان اعتماد عمومی است که اگر این کار درست انجام نشود، اثربخشی تعطیلی عمومی هم کافی نخواهد بود. برای تحق مضماین بهداشتی نیازمند همکاری مردم هستیم که این موضوع با تحلیل درست واقعیت‌ها رخ می‌دهد.»

مسعود مردانی، فوق‌تخصص بیماری‌های عفونی هم در ارتباط با وضع موجود می‌گوید: «در حال حاضر در پیک پنجم کووید-۱۹ هستیم و وضعیت بیمارستان‌ها و عفونک است. یعنی تخت خالی گیر نمی‌آید و ساختی پیدا می‌شود. آی‌سی‌یو‌ها و ظرفیت پذیرش پر است. میزان مراجعه‌کنندگان در این پیک بسیار زیاد است. بر همین اساس هم متأسفانه میزان مرگ‌ومیر هم همان‌طور که در آمآرها می‌بینید رو به افزایش است. باید توجه کرد تا زمانی که ورودی بیمارستان‌ها درحال افزایش است، مرگ‌ومیر هم متأسفانه افزایش می‌یابد. اگر قرار باشد تعطیلی مانند ع‌روزی باشد که اخیرا تعطیل بود، حتی یک ریل هم ارزش ندارد و نه‌تنها سرعت انتقال بیماری را کاهش نمی‌دهد بلکه میزان انتقال بیماری را افزایش هم می‌دهد، چرا که همه‌جا جا باز است و جاده‌ها نیز باز هستند و مسافرت‌ها انجام می‌شود. لاک‌داون به این معناست که همه چیز در جامعه باید به صورت واقعی تعطیل باشد. در صورت تعطیلی باید قوانین جدی و سخت، اعمال شود.»

مردم جز رنج بیماری‌داری رنج دیگری نداشته باشند

و اما در پایان، دوباره تکرار همان خواسته‌ای که مدت‌هاست هم فریاد می‌زنیم و هم آرزویش در دل‌مان مانده؛ تعطیلی حداقل دو هفته‌ای کشور، یک تعطیلی واقعی! باید به سرعت برای کمبودهای دارویی و تجهیزات پزشکی تصمیم گرفته شود، باید داروهای نظیر فابوپیراوبر و رم‌دسیبور که از قضا تولید داخلی هم هستند با سرعت و حجم بیشتری تولید شوند و در اختیار داروخانه‌ها قرار گیرند، سرم باید به اندازه کافی تولید شود، خصوصا وقتی با این مدل مدیریت ورود به پیک‌ها بعدی هم محتمل به نظر می‌رسد، بیمارستان‌های صحرایی باید در تمام شهرها برپا شوند تا این‌طور بیماران دنبال یک تخت خالی در بیمارستان‌ها نکرند، بیمارستان‌های خصوصی ولو به قیمت نارضایتی پزشکان میلیاردرشان باید بیماران کرونایی را با هزینه‌های پایین پذیرش کنند و در روند عبور از این پیک وحشتناک کمک‌حال بخشن عمومی دولتی باشند و... دولت جدید خصوصا حالا که از مراحل تشریفات و تنفیذ و تحلیف خود عبور کرده است، تمام هم و غمش را باید برای سلامتی مردم به کار گیرد تا به قول رهبر انقلاب، مردم جز رنج بیماری‌داری متحمل هیچ درد و رنج دیگری نباشند. مساله‌ای که این روزها کاملا به حاشیه‌رفته و اتفاقا مردم بیش از آن که رنج بیماری داشته باشند، رنج تأمین اقلام موردنیاز خود را دارند.

همچنان در مسیر ایمنی توده‌ای؟

نمی‌ماند، از بیرون در بیمارستان‌ها به اینجا مراجعه می‌کنند و درخواست سرم و دارو دارند. انگار قطعی آمده است. آنقدر تعداد بیماران و مبتلایان بالاست که اصلا چند وقتی است بیماری غیر از کرونایی ندیده‌ایم و پذیرش هم نمی‌کنیم. هرچند روز یک‌بار هم مدمام از بیماران غیر کرونایی که در بخش کوچکی از بیمارستان جانمایی شده‌اند تست می‌گیریم و متأسفانه آنها هم گاهی مبتلا می‌شوند. به هر حال محیط بیمارستان‌ها آلوده شده و کرونا هم در جهش‌های جدید وحشی‌تر و مسری‌تر شده است. واقعا کار از دست‌مان خارج شده است. یک لحظه امکان استراحت و حتی نشستن هم نیست. آنقدر این ماسک‌ها روی صورت ما مانده که گاهی یادمان می‌رود و با همین‌ها چرتی می‌زنیم و هنگام خوردن غذا تا قاشق به ماسک نخورد، نمی‌فهمیم. بخشی از وجود ما شده است! از مردم خواهش می‌کنیم به فکر ما هم باشند و به ما رحم کنند. مسئولان که انگار نه انگار، خبر از تعطیلی هم نیست و احتمالا به این زودی‌ها هم از سر این پیک عجیب و وحشتناک خلاص نخواهیم شد. بنویسید، و التماس کنید که رعایت کنند، ما اگر حتی بر گردن مردم داریم و به فکر ما هستند، از کسانی که این روزها در جشن و عروسی و عزا حاضر می‌شوند و قید مسافرت و تجمع و دوره‌های هایشان را

نمی‌زنند، نمی‌گذریم. مدت‌هاست جرات نکرده‌ایم هسر و فرزندان‌مان را ببینیم، ایمنی و اکسن‌ها هم روزه‌روز در حال افت کردن و پایین آمدن است و اصلا نمی‌توانیم به آنها اطمینان کنیم. خواهش می‌کنم از مردم که کوتاه بیایند و برای مدتی هم که شده پروتکل‌ها و هشدارها را جدی بگیرند. با متخصصان خودمان که صحبت می‌کنیم، می‌گویند همچنان کشور در مسیر ایمنی جمعی و توده‌ای حرکت می‌کند، امیدوارم این صحت نداشته باشد چون تمام بار این تصمیم بر دوش کادر درمان و مردم است. واقعا این میزان کشته در شرایطی که برخی کشورها درحال تزریق دز سوم واکسن کرونا به مردم‌شان هستند، یک جنایت است.» این روایت و خواهش یکی از پرستاران در یکی از بیمارستان‌های تهران است که در تمام مکالمه نیم‌ساعته‌مان، هرچند دقیقه درمیان صدایش می‌کردند و مجبور بود که برود و کاری انجام دهد و به داد بیماری برسد. تجربه‌ای که اصلا در پیک‌های قبلی کرونا نداشتیم. با تمام سنگینی پیک‌های قبلی، این پیک پنجم چیز عجیب و دیگری است. نظاره‌گر قیامتیم. پرستار خواهش می‌کند، متخصص هشدار می‌دهد، رسانه‌ای می‌نویسد ولی مسئول هیچ تصمیمی نمی‌گیرد و فقط پشت گوش می‌اندازد!